

فرهنگ اصطلاحات حافظ

غنی - توانگر و مالدار در اصطلاح
غنای دل است و نفس است و غنای بحق
است که بنده خود را از همه جهانیان
بی نیاز بداند . چون حق را یافته همه
چیز را یافته و توجهی به ماسوی الله نمیکنند
۳۵۵/۷

غنیمت - سود و فایده و فراوانی.
و بخت نیک : و هر مالی که بی دسترنج
دستیاب گردد و در اصطلاح شرع، مالی
است که در قتال از کفار گرفته شود ۸۲/۱
۷۸/۹ - ۱۰۱/۴ - ۱۱۱/۱۳ - ۱۲۲/۱
۱۹۵/۷ - ۲۰۰/۱۰ - ۲۰۲/۱۲ - ۲۶۳/۶
۳۲۲/۳ - ۳۲۴/۲ - ۳۳۴/۵

غواص - از مصدر غوص بمعنی فرو
رونده کسیکه در دریا برای طلب مروارید
فرو رود . و نام مرغی . و بسیار هجوم
آورنده بر چیزی . در اینجا معنی اول
منظور است ۲۳۷/۱۲

غوث - فریادرس؛ در اصطلاح غوث
عبارت از قطب است و ملاحظاً و ملازم مردم
است و از اولیاء الله است . عراقی گوید :
چند اشارات خود صریح کنم
غوث دین قطب چرخ ایمان کو
۳۶۹/۵

غوطه‌ور - غواص ۲۲۴/۷

غوغا - بانگ و فریاد و فغان و
هنگامه . ستیزه و مناقشه ۱۷/۷ -
۲۲۸/۸ - ۲۴۳/۱۱

غمگسار - یار عزیز و مونس -
دوستی که دفع ملالت کند. در اصطلاح صفت
رحمانی حق را گویند که عمومیت دارد
۳۲۰/۳ - ۱۶۴/۹

غمگین - اندوهگین و ملول و حزین
ویر از درد و رنج ۸۶/۱۲ - ۳۷/۷ -
۳۹/۴ - ۶۹/۷

غمناک - منموم و ملول و اندوهناک
و دلگیر ۱۰۹/۱۰ - ۳۲۳/۸

غمین - محزون و اندوهگین و
غمگین ۳۴۲/۱۱

غنچ - ناز و عشوه و غمزه و حرکات
چشم و ابرو و کلک‌گونه و غازه که زنان بر
روی مالند و جوال و خرچین در اینجا مفهوم
اول منظور است ۲۷۸/۱

غنچه - گل ناشکفته که هنوز باز
نشده ، غنچه‌دهان، معشوقه و معشوق و
غنچه‌دل، ملول و دل‌تنگ ۱۳/۹ - ۱۹/۲ -
۲۳/۱۱ - ۴۱/۸ - ۴۴/۹ - ۷۰/۱۲ -
۸۹/۷ - ۹۶/۳ - ۹۹/۱ - ۱۰۹/۷ -
۱۷۸/۴ - ۱۸۹/۱۲ - ۱۸۶/۳ - ۲۲۰/۵ -
۲۵۳/۸ - ۲۶۷/۸ - ۲۶۷/۱۱ - ۲۵۳/۸ -
۲۷۰/۸ - ۲۷۹/۱ - ۲۸۴/۳ - ۳۰۰/۲ -
۳۱۷/۸ - ۳۳۷/۳ - ۳۳۴/۲ - ۳۵۳/۴

۳۸۳/۳ - ۳۸۳/۲ - فکه ۸/۸

غنرید - خوابید و آرامید و آسود
که از مصدر غنودن و غنودن گرفته شده
است ۳۶۷/۱۳

- غول - هلاک و بلا و سختی. موجود
 بیابانی و ساحر و افسونگر و فریبنده .
 و غول بیابان ، مردم وحشی بیابانی
 آدم‌خوار . وازدهای بیابانی ۱۳/۱
 غیب - غایب بودن. حاضر نبودن و
 هرچیز ناپدید مخفی عالم غیب ، عالم
 آینده ضد عالم شهادت ۶۳/۲-۲۷/۳
 ۸۱/۱ - ۸۱/۶ - ۹۵/۸ - ۱۰۳/۱۲ -
 ۱۱۳/۱ - ۱۲۷/۱۲ - ۱۲۷/۳ - ۱۳۳/۱
 ۱۳۵/۹ - ۱۳۷/۶ - ۱۷۳/۳ - ۱۸۶/۲
 ۱۹۱/۸ - ۱۹۳/۹ - ۲۳۷/۶ - ۲۴۲/۳
 ۲۵۹/۸ - ۲۹۳/۸ - ۳۳۸/۱۰ - ۳۴۲/۹
 ۴۷۴/۷ - ۱-۴۷۴/۳ - ۱۰/۴
 غیر - مکر و خیر، دیگری و همچنین
 کلمه غیر از و کلمه بغیر و نیز غیر کلمه
 نفی بمعنی نادرستی که چون بر سر اسمی
 در آید آنرا منفی میکنند مانند غیر جایز،
 نادر و غیر واقع، بی اساس ۵۲/۴-۲۹/۸
 ۵۳/۱۲ - ۵۸/۶ - ۹۳/۷ - ۱۰۱/۹
 ۱۲۶/۴ - ۱۵۳/۱۲ - ۱۷۵/۹ - ۱۷۶/۶
- غیرت در شک و حسد. محافظت عصمت
 و ناموس و شرف آبرو . کراهت مشارکت
 غیر است در آنچه برای نفس حظ است
 ولی در اینجا بیشتر غیرت برای حق است
 باینکه دل او بغیر مایل گردد. غیرت از
 جمله لوازم محبت است و هیچ‌محب نباشد
 مگر غیور و مراد از غیرت همت محب
 است بر طلب قطع تعلق محبوب از غیر یا
 تعلق غیر از محبوب و آن سه‌گونه است ،
 غیرت محب غیرت محبوب و غیر محبت
 ۵/۱۰ - ۳۵/۱۳ - ۴۹/۴ - ۵۲/۱۱
 ۶۰/۸ - ۷۴/۶ - ۷۶/۳ - ۹۱/۹ - ۹۳/۵
 ۱۰۳/۱۱ - ۱۰۳/۱۰ - ۱۲۶/۲ - ۲۱۰/۷
 ۲۲۶/۸ - ۲۳۷/۶ - ۲۹۶/۵ - ۳۰۹/۲
 ۳۱۵/۱۱ - ۳۶۴/۴
 غیور - بسیار با غیرت و ناموس دوست
 زود متغیر ۱۳۳/۸ - ۱۳۳/۱۲ - ۱۶۳/۷ - ۷/۴

گفتار بیست و دوم «ف»

- فاتحه - آغاز و اول. اولین سوره از
 سوره قرآنی که سوره حمد باشد فاتحه
 خواندن در مجلس سوگواری حاضر شدن
 و روح مرده دعای خیر فرستادن ۵۹/۵
 ۸۴/۹ - ۱۲۷/۱ - ۲۶۳/۱۱ - ۲۶۳/۲
 فارس - ایالت جنوبی ایران منظور
 استان هفتم است ۳۰/۷ - ۱۶۹/۱۲
 ۲۳۶/۵ - ۳۶۳/۲
- فارغ - آزاد گشته و خلاص شده
 فرصت یافته. آسایش ۲۱۵/۷ - ۱۷۰/۲
 ۳۸/۴ - ۷۱/۴ - ۲۶۷/۴ - ۲۷۸/۵
 ۳۳۶/۲ - ۳۳۱/۷
 فاش - آشکار - ظاهر ۳۰/۹
 ۲۱۲/۲ - ۲۳۰/۸ - ۲۱۶/۱ - ۲۰۸/۱۲
 فال - شکون ضد طیره، طالع و بخت -
 پیش‌بینی و عاقبت‌گویی ۴۱/۱۳ - ۴۸/۴

می‌کند. وعاصی و یابی و گردنکش ۳۰/۲	۲۳۶/۱۲-۲۱۸/۱۲-۲۱۸/۹-۷۸/۵
۱۴۲/۱۲	۳۶۹/۷-۳۵۴/۹-۳۰۶/۳-۲۸۲/۶
۳۵۶/۱۱-۲۵۹/۴	۳۶۹/۸
فتوح - ج فتح ۳۵۶/۱۱-۲۵۹/۴	فانی - ناپایدار - زوال پذیر و
فتوی - حکم شرع و حکمی که از	بی‌ثبات ۳۴/۹ - ۲۴۳/۹ - ۲۷۳/۳
طرف مفتی و مجتهد صادر گردد ۳۱/۱۱	۳۳۵/۲-۶/فکج
۲۵۳/۲-۲۶۲/۵-۲۱۷/۶-۱۶۵/۹	فایض - لبریز از آب - سرشار -
۲۶۸/۱	فیض رساننده ۲۰۷/۳
فخر - نازش و مفاخرت و سربلندی -	فتان - فتنه انگیز - افسونگر -
مباهات ۲۰۱/۱۲	شیطان - اغوا کننده ۵۳/۱
فخر دین عبد الصمد - ۱۲۹/۹	فتح - در لنت بمعنی باز کردن و
فدا - سر بها - قربانی ۶/۶ -	مخالف با غلق یعنی بستن است و بمعنی
۱۹/۲ - ۴۰/۱۰ - ۴۱/۱۱ - ۴۴/۱	شروع و ابتداء در هر کاری و ظفر و نصرت
۹۵/۳-۹۲/۸-۷۸/۳-۷۲/۸-۷۱/۱	و فیروزی است در اصطلاح ظهور کمال علمی
۲۴۹/۱۳-۲۵۰/۵-۲۱۷/۴-۱۱۳/۸	است، شاه نعمت‌الله گوید :
۳۴۱/۱۲-۲۹۶/۴-۲۸۳/۱-۲۷۵/۷	میرسد ما را فتوح خاص و عام
فر - حسن - زیبایی - برازندگی -	خوش دری بگشاده مارا و السلام
رونق، روشنی، رفت، بلندی، جلال و	خاقانی گوید :
شکوه - توانایی و قدرت ۲۸۰/۷-۸۴/۴	در عشق فتوح چیست دانی
۴/فکج	از دوست کرشمه نهانی
فرح بخش - شادی بخش، فرح در	۳۵/۴ - ۷۴/۴ - ۲۱۲/۸ - ۲۶۳/۸
اصطلاح لذت قلبی است که از قرب بمحبوب	۳۷۲/۵-۳۶۲/۲-۲۸۳/۸
حاصل شود ۵۵/۶ - ۳۰/۱ - ۸۴/۲	فترک - تسمه و چرمی که از پس و
۳۵۶/۲-۲۶۰/۱	پیش زین اسب آویزند ۱۳۱/۹-۸۲/۵
فراز - قریب و نزدیک - پیش و	۳۲۲/۱-۲۰۴/۹
حضور - عقب و پس - بالا - فراز کردن :	فتنه - محنت و ابتلا، فتن، امتحان
باز کردن و گشودن در بستن در پوشیدن	و آزمایش - شور و غوغا و آشوب و طغیان
در ۱۶۵/۴-۱۰۶/۵	و سرکشی ۱۳/۷-۱۷/۶-۴۳/۲-۴۰/۱۱
فراش - آنکه میگستراند بساط را	۱۵۰/۴ - ۱۳۳/۵ - ۱۰۶/۱ - ۷۳/۱۰
و فرش میکند ۲۹۸/۶	۲۸۵/۱-۲۵۸/۴-۲۱۹/۸-۱۷۵/۱۱
فراغ - آسایش و فراغت ۷۹/۱۰	۳۰۳/۲-۳۵۹/۸-۳۴۳/۲-۴/فکه
۲۰۸/۵-۲۰۰/۶-۲۲۸/۹-۸۰/۱-۷۹/۹	فتنه انگیز - کسی که فساد برپا
۲۳۰/۶-۲۲۳/۷	

- فراق - جدایی و هجرت و دوری در اصطلاح مقام غیبت را گویند که از وحدت محبوب باشد و نیز فراق غیبت را گویند از مقام وحدت یعنی بیرون آمدن سالک از وطن اصلی که عام بطون است بعالم ظهور و از عالم ظهور بعالم بطون
- ۱۲- ۱۴- ۴۴/۷- ۴۸/۵- ۵۳/۴- ۶۱/۲
۷۷/۴- ۱۴۱/۴- ۱۴۴/۲- ۱۵۵/۷
۱۶۴/۲- ۱۶۸/۷- ۱۷۲/۲- ۱۸۱/۶
۱۹۷/۸- ۲۰۱/۱- ۲۰۱/۱۱- ۲۰۱/۱۲
۲۰۱/۱۳- ۲۰۳/۱- ۲۰۳/۲- ۲۰۳/۳
۲۰۳/۳- ۲۰۳/۴- ۲۰۳/۵- ۲۰۳/۶
۲۰۳/۷- ۲۰۳/۸- ۲۰۴/۶- ۲۱۶/۲
۲۲۴/۱- ۲۴۵/۱- ۲۶۵/۹- ۲۸۸/۷
۳۲۳/۱- ۳۲۳/۷- ۳۲۳/۴- ۳۳۰/۸- ۳۵۰/۸
- فراغت - فرصت، آسایش و استراحت
راحتی ۸۶/۶ - ۸۸/۱۲ - ۲۲۵/۱۱
۲۲۶/۹- ۳۳۸/۵- ۳۸۴/۵
- فراغوش - از یاد رفته ۱۹۱/۵
۲۲۴/۵- ۳۵۴/۱۰
- فرج - گشایش اندوه - نجات و خلاصی - آسایش - خرسندی ۳۲۷/۸
- فرجام - آخر، انجام، نتیجه، عاقبت
۲۷۰/۴- ۷۶/۶
- فرخ - مبارک و خجسته، زیبارویی
۶۸/۹- ۶۸/۱۰- ۶۸/۱۱- ۶۸/۱۲
۶۸/۱۳- ۶۹/۱- ۶۹/۲- ۶۹/۳- ۶۹/۴
۲۱۱/۲- ۲۷۲/۱- ۳۶۵/۲
- فرخنده - مبارک و میمون - خجسته - سعادتمند ۱۶۵/۱- ۱۲۴/۶- ۱۷۶/۱۰
۲۱۱/۲- ۲۴۱/۱۰- ۲۸۲/۶- ۳۰۶/۲
- فردوس - باغ و بستانی که در آن آنچه در همه بستانها است موجود باشد و باغی که انگور و هر قسم میوه و هر گونه گل داشته باشد و بهشت جمع آن، فرادیس در قرآن هست، الدین یرثون الفردوس هم فیها خالدون ۲۶/۷- ۳۵/۵- ۱۸۲/۳
۲۱۰/۸- ۲۱۶/۳- ۲۱۸/۱- ۲۵۷/۴
۳۴۷/۸- ۲۷۳/۱۲
- فرزانه - حکیم و دانشمند و دانا و عاقل و زیرک و فاضل، شریف و پاک نژاد، سعادتمند ۱۱۵/۱- ۲۲۳/۱۰- ۲۴۷/۹
۲۵۶/۹- ۳۷۰/۵
- فرشته - ملک ۴۲/۳ - ۸۳/۷
۱۵۷/۵- ۱۸۰/۱۱- ۲۸۴/۵- ۲۹۲/۱
۳۷۱/۳- ۳۷۱/۳- ۳۷۱/۳
- فرصت - مجال، وقت مناسب - دسترس ۵/۳- ۳۵/۱۱- ۵۱/۴- ۵۲/۱۰- ۸۵/۱
۱۲۳/۱۰- ۲۰۲/۱۲- ۲۴۲/۲- ۲۷۰/۱۱
۲۹۲/۹- ۳۱۲/۹- ۳۱۷/۶- ۳۵۹/۱۱
۳۷۵/۸
- فرض - هر چیز واجب کرده خداوند از نماز و روزه و زکوة ... ۱۶/۷
- فرط - کثرت و زیادی، افراط، از حد گذشته ۳۶۲/۳
- فرق - تفاوت - هر آنچه دو چیز مانند هم را از یکدیگر تمیز دهد ۲۹/۲
- فرقت - جدایی و مفارقت ۱۱۲/۱۰
۱۷۳/۷- ۱۷۷/۷
- فرقدان - دو ستاره نزدیک قطب که بدانها راه شتابند ۶/۶ فقط
- فروردین - ماه اول سال شمسی و نام فرشته خازن بهشت و نام باد دیور که باد مغرب باشد ۷۷/۳

- فروغ** - روشنی، شمع و شعله و
تابش آفتاب ۱۰/۲ - ۷۶/۲ - ۹۹/۱۰
۱۹۴/۱ - ۱۷۱/۸ - ۱۲۴/۳ - ۱۰۲/۱۲
۲۸۳/۴ - ۲۳۳/۵ - ۲۲۰/۶ - ۲۱۳/۳
۳۵۹/۴ - ۳۵۰/۷ - ۲۸۴/۱
- فرهاد** - سنگ تراش و حجار. و نام
حجار معروف که عاشق شیرین بود و در
زمان خسرو پرویز میزیست ۳۸/۱۲
۷۰/۳ - ۷۶/۱۳ - ۹۸/۵ - ۱۲۸/۱۰
۲۱۵/۹ - ۲۴۳/۷ - ۲۷۷/۷ - ۳۴۱/۳
۳۶۵/۸
- فریاد** - بانگ و آواز بلند، و آواز
بلندی که در دادرسی و استعانت برآرند
۲۵/۱۰ - ۲۷/۱۰ - ۵۴/۴ - ۶۲/۳ - ۶۶/۴
۷۵/۱ - ۸۷/۶ - ۹۲/۱ - ۹۸/۱۰ - ۱۱۲/۶
۱۱۷/۸ - ۱۵۸/۲ - ۱۷۰/۴ - ۲۱۵/۴
۲۱۵/۱۰ - ۲۱۵/۱۱ - ۲۲۷/۱۱ - ۴۳/۸
۳۱۱/۴ - ۳۱۲/۶ - ۳۱۳/۸ - ۳۲۷/۳
- فریادرس** - دادرش - ناصر و مددکار
و دستگیر ۱۱۹/۹ - ۱۸۱/۶
- فریب** - مکر و عشو و گول و غدر
و حيله و گمراهی در اصطلاح حيله مرانب
عاشق را گویند که محبوب بطریق امتحان
سازد ۶/۳ - ۱۳/۷ - ۶۶/۵ - ۱۰۶/۴
۱۳۶/۴ - ۱۹۹/۲ - ۲۰۴/۱ - ۲۲۸/۳
۲۵۵/۴ - ۲۹۸/۱۰ - ۳۰۱/۱۰ - ۳۲۴/۶
۳۳۶/۶ - ۳۶۰/۸ - ۱۳/۱ - نفرین
- فریدون** - نام ملك البروج در اینجا
منظور پادشاه معروف ایران است که
۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح آغاز
پادشاهی او بود ۳۲۱/۶ - ۳۵۹/۶
- فساد** - تباهی - خرابکاری ۲۳۹/۶
- فسانه** - افسانه و حکایت. حکایت
بی اصل - شهرت یافته ۲۶/۳ - ۶۹/۱۲
۱۲۷/۹ - ۲۶۱/۱۱
- فسق** - ترك امر خدای تعالی و عصیان
و خروج از راه حق، کار بد و گناه و
زناکاری ۱۲۱/۱ - ۱۹۱/۱۳ - ۲۳۸/۱
۳۳۸/۸
- فوس** - زیرکی، ظرافت، استهزاء،
تأسف، اغواء، سرزنش، بهتان، طعنه و
شامت و ریشخند ۱۲۹/۱۲ - ۹۲/۱۲
- فسون** - مکر و حيله و تزویر و
افسون. کلماتیکه افسونگران و ساحران
جهت انجام دادن مقاصد خود خوانند و
نویسند ۲۶/۳ - ۲۷۱/۱۱ - ۲۹۶/۶
- فصاحت** - گشاده زبانی با اصطلاح علم
معانی، خالی بودن کلام از عیوب یعنی
ترکیبات غیر مأنوس و الفاظ ثقیل و درشت
است ۵۵/۵ - ۲۷۶/۳
- فصیح** - گشاده زبان کسیکه سخن
و مطلب را بدون عیب و نقص بیان میکند
و کسیکه کلامش خالی از هر گونه عیوب
حرفی و لفظی است ۲۹۴/۸
- فضا** - گشادی جای فراخ و وسیع.
عرصه، صحن سرای، فراخی هوا ۲۲۸/۴
۲۳۵/۷
- فضل** - برتری - فزونی. فضیلت و
علم و معرفت و حکمت و هنر. خرد و فهم
و ادب فضل خدا، بخشش خدا ۸۸/۲
۱۲۶/۵ - ۲۲۵/۳ - ۲۵۸/۲ - ۲۳۶/۷
۳۰۲/۵ - ۳۶۱/۴ - ۳۶۱/۹ - ۱/قیح
- فضول** - زیاده گو و کسیکه به کارهای
غیر لازم بپردازد. ضد اصول هر چیز غیر

آن جماعت کز خودی وارسته اند	۳۵۳/۲ - ۲۳۸/۵ - ۳۲۸/۲ - ۳۰۹/۱۰
در مقام بیخودی پیوسته اند	۳۶۶/۶ - ۲۶۴/۶ - ۳۶۳/۱ - ۳۵۹/۶
فانی از خود گشته و باقی بدوست	۳۷۰/۶ - ۳۷۲/۵ - ۲/۲ فا
جملگی منز آمده فارغ زدوست	فن (Fann-Fan) = علم و هنر ،
۶۶/۹ - ۵۷/۱۱ - ۵۳/۱۰ - ۳۶/۵	صنعت و دانایی، حيله و مکر و تزویر
۲۱۳/۳ - ۱۷۳/۴ - ۱۷۱/۱۳ - ۹۱/۱۰	۲۶۸/۱ - ۱۵۴/۶
۱۴۲/۷ - ۲۵۸/۵	فناء = سهری و نیست و فانی شدن
فوت = مرگ ۹۲/۲ - ۱۶۷/۵	در اصطلاح سقوط اوصاف مذموم است
۲۸۳/۱۰	همانطور که بقاء وجود اوصاف محمود
فهم = دریافت و آگاهی ، دانش ،	است. فناء فی الله تبدیل صفات انسان است
هوش و ادراک ۱۰۹/۱۱ - ۱۱۸/۵	بصفات الهیه مولوی گوید ،
فیروزه = سنگ گرانیها و قیمتی	هیچ کس را تا نکردد او فنا
برنگ آبی ۹۱/۱۳ - ۱۹/۱ - ۱۴۱/۵	نیست ره در بارگاه کبریا
۳۱۸/۴ - ۳۱۷/۶ - ۳۱۷/۴	چیست معراج فلک این نویستی
	عاشقان را مذهب و دین نیستی

بقیه دارد